



زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت هر کشوری، هم متأثر از سیاست‌های کشور هستند و هم تأثیرگذار بر آن. امروزه یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی هر کشوری وضعیت زنان آن کشور است. ازهمین‌روست که سیاست‌مداران همواره بخشی از سخنرانی‌هایشان را به حقوق و خواسته‌های زنان اختصاص می‌دهند و تلاش دارند آنها را با خود همراه کنند. اگر چه بسیاری از سیاست‌مداران نیز در این راه موفق نیستند و با سیاست‌ها و رفتارهایشان راه توانمندسازی زنان و توسعه را مسدود می‌کنند، با وجود این، زندگی و زمانه زنان در حکومت‌هایی که نابرابری، تبعیض و خشونت علیه زنان را تعمیق می‌کنند، برای زنان در سایر کشورها همیشه آموزنده بوده است.

ازدواج با رهبر داعش یا استاد دانشگاه؟

سال ۲۰۱۵، سال تحکیم قدرت و پیشروی داعش بود. به‌طوری‌که این گروه تکفیری نه‌تنها توانستند شهرهای بسیاری را در داخل خاک سوریه و عراق اشغال کنند، بلکه با حملات انتحاری به پاریس موفق شدند هراس و وحشت بی‌سابقه‌ای را در میان شهروندان سراسر دنیا ایجاد کنند. اما با آغاز سال ۲۰۱۶ کوپا ورق برگشته و داعش در حال تضعیف شدن است. حالا خبر می‌رسد داعش برخی از کلیدی‌ترین مناطق تحت نفوذش در عراق و سوریه را از دست داده است. اما این تنها ریوی سکه است. بزرگ‌ترین گروه تروریستی موجود در جهان که سال گذشته شبکه‌های اجتماعی را به قبضه خود درآورده بود و هر روز خبری از پیوستن زنان و جوانان از دیگر ملت‌ها به خود را منتشر می‌کرد، حالا دیگر از این‌دست پروپاگاندا ندارد. بسیاری از این زنان و جوانان حالا از داعش جدا شده‌اند و با مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی، پرده از آنچه درون این گروه تکفیری می‌گذرد، برداشته‌اند. آخرین این افراد «سجی الدلیمی»، همسر سابق ابوبکر البغدادی، است که پس از آزادی از زندان به گفت‌وگو با یک رسانه سوئدی نشسته و از زندگی مشترک خود با رهبر گروه تروریستی داعش سخن گفته است. دو سال پیش بود که الدلیمی در لبنان و به جرم ارتباط با گروه‌های تکفیری در این کشور دستگیر شد. درابتدا نسبت به هویت او تردیدهایی وجود داشت و گفته می‌شد او دختر یکی از تروریست‌های فراری عضو القاعده است که اکنون با گروه تروریستی جبهه‌النصره همکاری دارد. اما پس از مدتی هویت او تأیید و گفته شد و دختر بزرگ «حمید ابراهیم الدلیمی» عراقی یکی از امرای گروه تکفیری داعش در سوریه است. پدرش از بنیان‌گذاران و تأمین‌کنندگان مالی این گروه به شمار می‌رفت که در یک عملیات نظامی ارتش سوریه در «دیر عطیه» در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴ کشته شده است. اما او در مصاحبه با «سوند اکسپرس» بخش دیگری از زندگی اش را به نمایش گذاشته است. به گزارش «سی‌ان‌ان»، همسر ۲۸‌ساله ابوبکر البغدادی چندی است که از زندان آزاد شده و اکنون در جایی در مرز لبنان و سوریه زندگی می‌کند و نمی‌خواهد محل اقامتش فاش شود اما آرزومند زندگی در یک کشور اروپایی و آزاد است. الدلیمی متولد عراق است و در سال ۲۰۰۸ با البغدادی ازدواج کرده و از او یک دختر دارد. البته الدلیمی مدعی بوده که زمانی که با سرکرده داعش ازدواج کرد، او یک تروریست نبود. او در این مصاحبه می‌گوید: «زمانی که من با البغدادی ازدواج کردم، او یک مرد عادی و استاد دانشگاه بود. او به معنای واقعی یک مرد خانواده بود.

اگرچه او تنها همسر البغدادی نبوده است اما از زندگی با او راضی به نظر می‌رسد. الدلیمی ادامه می‌دهد: «او هر روز به سر کار می‌رفت و بعد پیش خانواده‌اش برمی‌گشت. او واقعا مرد فوق‌العاده‌ای بود. حتی می‌توانم بگویم او از آن دست پدرهایی بود که هر دختری دوست دارد فرزند او باشد، چون دقیقا می‌دانستم چطور با بچه‌ها رفتار کند و کتا را بیاید. شاید به این دلیل که معلم بود. البته او نه‌تنها با بچه‌ها که با مادران بچه‌ها هم خیلی خوب رفتار می‌کرد.» «میا بلوم»، نویسنده کتاب «زنان و تروریسم»، به پژوهشی که درباره حضور زنان در گروه‌های تروریستی داشته، به این نتیجه رسیده است که معمولا رهبران یا اعضای گروه‌های تروریستی زندگی دوگانه‌ای دارند و درباره الدلیمی می‌توان گفت او از زندگی دوم البغدادی منتدی آگاهی نداشته است. البته ازدواج این دو نیز چندان مستحکم نبوده است. الدلیمی در مصاحبه خود می‌گوید سه ماه پس از ازدواجش با البغدادی باردار می‌شود و همین مقدمه‌ای می‌شود برای دوری جستن از سرکرده داعش. همسر سابق البغدادی چرابی این اتفاق را این‌گونه توضیح می‌دهد: «من خوشحال نبودم و البغدادی را دوست نداشتم. دلیل جداشدنم هم همین بود. او چندین‌بار تلاش کرد من را به زندگی برگرداند ولی من قیلا تصمیمم را گرفته بودم. آخرین باری که با هم درباره این موضوع صحبت کردیم و البغدادی تلاش کرد زندگی را دوباره سرپا کند، سال ۲۰۰۹ بود و او گفت دخترمان را از من خواهد گرفت». الدلیمی به‌شدت نگران امنیت دخترش است که در حال حاضر با او زندگی می‌کند. او می‌گوید: «من نمی‌دانستم همسر رهبر داعش است اما دخترم می‌داند پدرش کیست و به‌همین‌دلیل حس می‌کند مسئولیت تمام این فجایع با اوست و رنج می‌کشد». به‌همین‌دلیل الدلیمی مرتباً تکرار می‌کند که باید دخترش را برای تحصیل به کشور دیگری ببرد. او می‌گوید: «من می‌خواهم



سیاست‌مداران چه نگاهی به زنان دارند؟

زنان ودیکتاتورها

در یک کشور اروپایی زندگی کنم، نه در کشوری عربی. دوست دارم دخترم بتواند راحت زندگی کند و درس بخواند. این من بودم که با یک تروریست ازدواج کردم، دخترم چه گناهی دارد؟» بلوم، معتقد است نگرانی الدلیمی نسبت به دخترشان بیجاست چون این کودکان در معرض خطرهایی چون دزدیده‌شدن توسط تروریست‌های مخالف داعش قرار دارند. اگرچه برادر الدلیمی یکی از اعضای جبهه‌النصره است و گفته می‌شود همسر فعلی الدلیمی هم ارتباط‌هایی با گروه‌های تکفیری دارد. اما الدلیمی از اینکه زمانی همسر ابوبکر البغدادی بوده، ناراحت است و دوست ندارد تا آخر عمرش با عنوان «همسر سابق رهبر گروه تروریستی داعش» شناخته شود. او در این زمینه می‌گوید: «من برچسب تروریست‌بودن خورده‌ام اما واقعیت این است که من از تروریسم فرسنگ‌ها فاصله دارم. اروپایی‌ها باید مرا بپذیرند به‌عنوان کسی که متحمل رنجی مشابه رنج آنها شده‌ام. زمانی که من با البغدادی ازدواج کردم، او هنوز رهبر داعش نبود. این موضوع چند سالی است که رسانه‌ای شده است و همه آن را می‌دانند. من خیلی زود البغدادی را ترک کردم و در طول این مدت هم سختی‌های زیادی کشیده‌ام. به‌دلیل این اتفاقات به زندان افتادم و حالا زمانی است که می‌خواهم از این اتفاقات فاصله بگیرم». او تأکید می‌کند: «اگر من می‌خواستم با او گراش کنم، می‌توانستم و اتفاقا زندگی خیلی خوبی هم داشتم. با من مثل یک ملکه رفتار می‌شد و هرچقدر پول که می‌خواستم در اختیارم قرار داده می‌شد. ولی من پول نمی‌خواستم، من می‌خواستم آزادانه زندگی کنم و یک زندگی معمولی مثل همه زنان دیگر داشته باشم».

استفاده ازآری ترامپ از زنان

هرچه به انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا نزدیک‌تر می‌شویم، کاندیداهای دو جریان رقیب بیش‌ازپیش پرده از نظرات و اعتقاداتشان درباره اقصار مختلف جامعه برمی‌دارند. دونالد ترامپ، نامزد جنجالی حزب جمهوری خواهان، در هفته‌های اخیر به‌خاطر اظهارات عجیبش درباره زنان مورد انتقادات بسیاری از سوی گروه‌های مختلف زنان قرار گرفته است. به‌طوری‌که در آخرین نظرسنجی شبکه خبری «سی‌ان‌ان»، آرای ترامپ در میان زنان آمریکایی ریزش محسوسی داشته است. به گزارش پایگاه اینترنتی این شبکه خبری، حتی پیش از هفته گذشته نیز ترامپ طرفداران زیادی در میان زنان نداشت. در هفته اخیر او گفته بود زنانی که سقط جنین می‌کنند باید مجازات شوند. این در حالی است که بسیاری از شهروندان آمریکایی با سقط جنین قانونی در صورت بیماری مادر یا فرزند یا بارداری ناشی از تجاوز موافق هستند. بنا بر گزارش سی‌ان‌ان، در تمام ایالت‌های

» **من برچسب تروریست‌بودن خورده‌ام اما واقعیت این است که من از تروریسم فرسنگ‌ها فاصله دارم. اروپایی‌ها باید مرا بپذیرند**

» **به‌عنوان کسی که متحمل رنجی مشابه رنج آنها شده‌ام. زمانی که من با البغدادی ازدواج کردم، او هنوز رهبر داعش نبود. من خیلی زود البغدادی را ترک کردم و به‌دلیل این اتفاقات به زندان افتادم و حالا زمانی است که می‌خواهم از این اتفاقات فاصله بگیرم**

که ترامپ در انتخابات مقدماتی موفق بوده، به شکل محسوسی آرای زنان از مردان کمتر بوده است. علاوه بر این، در آخرین نظرسنجی سی‌ان‌ان که پیش از ماه آوریل انجام شده است، ۷۳ درصد از زنان شرکت‌کننده در این نظرسنجی گفته‌اند نظر مساعدی نسبت به ترامپ ندارند و فقط ۲۶ درصد از زنان شرکت‌کننده گفته‌اند درباره ترامپ مثبت فکر می‌کنند. این آمار نسبت به نظرسنجی قبلی که در ماه دسامبر انجام شده است، ۱۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. حتی زنان جمهوری‌خواه نیز از دسامبر گذشته تاکنون بیش‌ازپیش نسبت به ترامپ ابراز بی‌علاقگی کرده‌اند. در دسامبر ۲۹ درصد از زنان جمهوری‌خواه نسبت به ترامپ نظر منفی داشتند اما این عدد در هفته‌های منتهی به ماه آوریل به ۳۹ درصد رسیده است. نکته قابل‌توجه اینک‌ه این اعداد در میان مردان تغییر چندانی نداشته است. ۵۰ درصد از مردان شرکت‌کننده در این نظرسنجی در ماه دسامبر دیدگاه مثبتی نسبت به ترامپ نداشتند. در هفته‌های منتهی به ماه آوریل نیز این عدد ۵۲ بوده است. از سوی دیگر، خبرگزاری روتینز نیز نظرسنجی مشابهی در میان مخاطبان خود انجام داده و به نتایج مشابهی با سی‌ان‌ان رسیده است. در نظرسنجی روتینز عکس‌هایی از زنان شرکت‌کننده نسبت به ترامپ ابراز بی‌علاقگی کرده بودند. این اتفاق دلایل زیادی دارد که صحبت‌های ترامپ درباره سقط جنین را نمی‌توان دلیل اصلی آن دانست. به گزارش «روتینز»، توهین رئیس کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ به یک خبرنگار زن و خطاب قراردادن این خبرنگار با الفاظ رکیک، یکی از موقعیت‌هایی بود که باعث شد نگرش‌های منفی درباره ترامپ بیشتر شود. اگرچه خود ترامپ هم در سخنرانی‌های خود توهین‌های زیادی به زنان کرده است. ازجمله زمانی است که درباره «روزن اودانل»، مدافع حقوق زنان و مجری و کم‌دین تلویزیونی، صحبت می‌کرد. ترامپ در

زاویه



سخنرانی خود درباره اودانل گفت او خیلی زشت است و اگر جای گردانندگان شبکه تلویزیونی‌ای بود که اودانل در آن کار می‌کند، حتما به‌خاطر زشتی اودانل او را اخراج می‌کرد. او سخنان مشابهی نیز درباره «آرینا هافینگتن»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی و سردبیر روزنامه «هافینگتون‌پست»، ابراز کرده است. ترامپ درباره این روزنامه‌نگار گفته بود: «این زن یک عقده‌ای است و من کاملا می‌فهمم چرا شوهرش او را طلاق داده. به‌نظم شوهر هافینگتن تصمیم کاملا درستی گرفته است». ترامپ همچنین درباره رقیب دموکرات خود، «هیلاری کلینتون» بارها توهین‌هایی را بیان کرده است که یکی از معروف‌ترین آنها به ماجرای رسوایی اخلاقی همسر هیلاری، «بیل کلینتون» مربوط است. ترامپ در این زمینه گفته بود: «زنی که نمی‌تواند شوهرش را جمع‌وجور کند، چطور می‌خواهد یک کشور را اداره کند؟» البته این اظهارات ناپجا تنها دلیل بی‌علاقگی زنان آمریکایی نسبت به ترامپ نیست. در مقایسه با «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، ترامپ در حوزه برنامه‌ها نیز حرف زیادی برای گفتن به زنان ندارد. اگر اعطای دستمزد برابر با مردان به زنان، ازبین‌بردن تبعیض جنسیتی در ارائه خدمات درمانی و همچنین ایجاد امکان دسترسی برابر زنان و مردان در حوزه آموزش شواهدی هم‌چنین برای ریاست‌جمهوری بود، ترامپ وقتی در حوزه زنان و کودکان مورد پرسش قرار می‌گیرد، به جواب‌های ساده‌لوحانه بسنده می‌کند؛ جملاتی مانند اینکه «من خیلی به سلامت زنان اهمیت می‌دهم» یا «زنان واقعا برای من اهمیت دارند، آنها برای من بسیار گرامی هستند» و وقتی پای اعتقادات واقعی می‌رسد، او جملاتی مانند این بیان می‌کند: «من واقعا بچه‌ها را دوست دارم ولی واقعیت این است که چیزی از نگهداری بچه‌ها سرم نمی‌شود. من ترجیح می‌دهم

بیرون از خانه پول دریاورم و همسرم در خانه بماند و از بچه‌ها نگهداری کند»؛ اگرچه همسر ترامپ، «ملانیا کناوس»، که سابقا مدل بوده است، چندان در خانه نمی‌ماند و پایه‌پای همسرش در کمپین‌های انتخاباتی او شرکت می‌کند. تا جایی که جندی پیش توسط «تد کروزر»، دیگر نامزد جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، مورد حمله قرار گرفت. کروز با انتشار عکس‌هایی از او در زمانی که مدل بوده، خطاب به آمریکایی‌ها گفت: «آیا می‌خواهید یک مدل، بانوی اول کشورتان باشد؟».

کره‌شمالی و خریدوفروش زنان

پنج سال پیش زمانی که کیم جونگ‌اون، رهبر کره‌شمالی، بر سر کار آمد، حضور همسرش در کنار او نظر بسیاری از رسانه‌ها را به خود جلب کرد. ری سل‌جو، همسر کیم جونگ‌اون، که سابقا خواننده بوده است، با پوشیدن لباس‌های مارک‌دار و حضور در کنار رهبر کره‌شمالی، نوید تغییر در سیاست سنته کره‌شمالی می‌داد. برخی رسانه‌ها پیش‌بینی می‌کردند حضور ری‌سل‌جو به معنی تغییر و تحول در فضای اجتماعی و فرهنگی کره‌شمالی و به‌ویژه ایجاد تغییراتی در وضعیت زنان در این کشور است. اما پس از گذشت چندسال نه‌فقط در این زمینه‌ها شرایط بهبود پیدا نکرد، بلکه بنا بر گزارش «نیویورک‌تایمز»، آن‌طور که سازمان ملل متحد اعلام کرده، کره‌شمالی در صدر کشورهای است که حقوق زنان در آن نقض می‌شود و خشونت جنسی، تجاوز و نابرابری در دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی بین زنان و مردان در این کشور کاملا رایج است. «دیلی‌تلگراف» نیز در گزارشی که درباره «جی هوآن»، زن ۳۵‌ساله کرای‌ه‌ای از کره‌شمالی فرار کرده است، منتشر کرده، به زندگی زنان در کره‌شمالی پرداخته. به گزارش دیلی‌تلگراف، جی هوآن، زمانی که فقط ۱۷‌سال داشت در سال ۱۹۹۸ و در حین فرار از کره‌شمالی دزدیده شد. او توسط قاچاقچیان انسان و برای فروش به کشور چین دزدیده شده بود. تا سال ۲۰۰۷ که توانست به کره‌جنوبی فرار و در آنجا اقامت کند، جی هوآن بارها مورد تجاوز قرار گرفته و مجبور به سقط جنین شده بود. به دلیل شرایط ناسامان اقتصادی در کره‌شمالی خرید و فروش دختران و زنان توسط قاچاقچیان رواج دارد. جی هوآن در کتاب «۲۴۴ مایل در جست‌وجوی آزادی»، روزهای سخت فرار از کره‌شمالی و دزدیده‌شدن توسط قاچاقچیان انسان را شرح داده است. پیش از انتشار این کتاب نیز اخبار و شایعات زیادی درباره وضعیت بد زن در کره‌شمالی وجود داشت؛ شایعاتی مانند اینکه زنان در این کشور حتی اجازه پوشیدن شلوار ندارند. در پی رسانه‌ای‌شدن این اخبار بود که کره‌شمالی به برخی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اجازه ورود به کشورش و عکاسی از زندگی روزمره مردم و زنان در این کشور را داد. «مالیا نوراک»، عکاس رومانیایی، یکی از این افراد است که در مجموعه «اطلس زیبایی»، عکس‌هایی را از زنان کره‌شمالی منتشر کرده است.

به گزارش «نیویورک‌تایمز»، نوراک در کتابی که در این زمینه منتشر کرده، نوشته است: «زنان در کره‌شمالی میل و اشتیاق بسیاری به حضور در مجامع عمومی دارند. آنها با وجود همه محدودیت‌ها خواهان ظاهرشدن با لباس‌های زیبا و رنگی در جامعه هستند و در این زمینه تن به دستورات دیکته‌شده توسط رهبر کشورشان نمی‌دهند. حتی اگر مجبور باشند روی لباس‌هایشان سخاقت‌هایی نصب کنند که نشان از وفاداری‌شان به حزب کارگران کره است».

یک مفهوم

کلونی رئیس‌جمهوری می‌شود؟

همسران چهره‌ها و ستاره‌های حوزه‌های مختلف فرهنگ، سیاست، ورزش و… به اندازه خود این چهره‌ها معروف و ستاره هستند و معمولا هر چا می‌روند دوربین روی آنهاست. یکی از این همسران که به‌تازگی به جمع ستاره‌های عالم سینما پیوسته، «امل کلونی»، وکیل ۳۸‌ساله لبنانی و همسر جورج کلونی است. با وجود اینکه زمان زیادی از ازدواج این دو نمی‌گذرد، اما حواشی مربوط به آنها هر روز بیشتر از گذشته می‌شود.

اما تازه‌ترین اتفاقی که باعث شده است جورج کلونی و همسرش مجددا بر صدر اخبار جهان قرار گیرند، راه‌اندازی کمپینی از سوی برخی شهروندان لبنان برای ریاست‌جمهوری جورج کلونی است. این کمپین که ابتدا کار خود را با ایجاد یک صفحه در شبکه اجتماعی فیس‌بوک آغاز کرد، در توضیح اینکه چرا جورج کلونی می‌تواند رئیس‌جمهور لبنان باشد، نوشته است به خاطر اینکه او با یک دختر عرب اهل لبنان ازدواج کرده، حالا جزء شهروندان این کشور است و می‌تواند به‌عنوان یکی از شهروندان لبنان کاندیدای ریاست‌جمهوری شود.

«سعودی گزت» که این خبر را نقل کرده، البته نگفته که چقدر موضوع ریاست‌جمهوری جورج کلونی جدی است و با توجه به اینکه جورج کلونی درحال حاضر درگیر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا از یک‌سو و از سوی دیگر، فعالیت‌های بشردوستانه‌اش است، به نظر نمی‌رسد چندان نیازی دیده باشد که به این کمپین پاسخی بگوید.



این کمپین پس از این‌ راه افتاد که جورج کلونی به همراه همسرش که از مدافعان حقوق بشر است، سفری به ارمنستان داشتند و در این سفر آنها خبر دادند جایزه‌ای یک میلیون دلاری برای ارمنی‌هایی که در زمان اردشیر دوم و نجات جان انسان‌ها در ارمنستان فعالیت می‌کنند، در نظر گرفته‌اند.

پس از این سفر، کلونی و همسرش به آمریکا برگشتند تا مقدمات ایجاد نهادی که قرار است این پول را جمع‌آوری کند، بچینند اما در ارمنستان، بحران قریه‌باغ ایجاد شد که اگرچه فعلا با آتش‌بس طرفین، در سکوت است، اما با تحریکات همسایه‌های آذربایجان و ارمنستان بعید نیست که دوباره جان بگیرد.

کلونی را باید یکی از سیاسی‌ترین بازیگران هالیوود دانست. او یک دموکرات است و بارها دموکرات‌بودن خود را به نمایش گذاشته است. او در انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، رسماً وارد کمپین انتخاباتی باراک اوباما شد و توانست بخشی از هزینه‌های این کمپین را تأمین کند. در حال حاضر هم او از طرفداران عکس‌های این کمپین است که در مجامع عمومی میل و اشتیاق بسیاری به حضور در مجامع عمومی دارند. آنها با وجود همه محدودیت‌ها خواهان ظاهرشدن با لباس‌های زیبا و رنگی در جامعه هستند و در این زمینه تن به دستورات دیکته‌شده توسط رهبر کشورشان نمی‌دهند. حتی اگر مجبور باشند روی لباس‌هایشان سخاقت‌هایی نصب کنند که نشان از وفاداری‌شان به حزب کارگران کره است».

نگاه

پدیدارشناسی سفر به شیراز و تفسیر کارکردهای هویتی آن رازوناز و جذب شیراز

فرهاد نصرتی‌نژاد

شیراز آن‌گونه که از نامش هویداست، سرشار از رمز و راز و البته نته ناز و جذب است. لاقال در ذهن انسان ایرانی شیراز این‌گونه نمود می‌یابد. گرچه ایران‌زمین، سرزمینی است که هر نقطه و گوشه آن جاذبه‌های دیدنی بسیار دارد و بدون اغراق به هر سوی آن که سفر کنید، از جاذبه‌های طبیعی و باستانی آن حظی وافر خواهید برد و پربراه نیست اگر ایران را یکی از پرجاذبه‌ترین کشورهای دنیا در نظر آوریم؛ با وجود این، شیراز یگانه‌شهری است که تجربه‌ای متفاوت به مسافران خود می‌دهد و هم از این‌روست که شیراز در ذهن انسان ایرانی، معنای متفاوت از شهرهای دیگر ایران دارد. عموم ایرانیان با تداعی شیراز در ذهنشان پر از جذب و حس و حالی عجیب می‌شوند و برخی نیز احساسی نوستالژیک می‌یابند. کمتر کسی است که اگر از شیراز دیدن نکرده باشد، آرزوی دیدن آن را نداشته باشد یا اگر سفر کرده، خیال سفری دوباره در پس ذهنش نهان نباشد. حتی برای برخی همین نام (شیراز) خود سرشار از معنایی خاص است. اما چرا این‌گونه است و چه چیزی سبب شده است که در ذهن ایرانیان، شیراز دیگرگونه نمود یابد و تجربه‌ای متفاوت از شهرهای دیگر به آنان دهد؟ به نظر می‌رسد علت این امر را باید در یگانگی شیراز جست‌وجو کرد. یگانه‌شهری که طبیعت زیبا، باغ‌های مسحورکننده‌اش (ارم دلگشا، عفیف‌آباد و…)، بلوارهای سرشار از گل‌های لاله و سنبلش، بهارنارنج‌هایش، سروهای مثال‌زدنی‌اش و هوای مطبوعش (خصوصا در نوروز) آن را پرنساز می‌کند و این نازش از سر هر گذری می‌رباید و مسافران خود را غرق در شغفی وصف‌ناپذیر می‌کند. در کنار این ناز طبیعی، آرمیدن دو نفر از بزرگان ادب زبان پارسی که مایه مباحثات ایرانیان هستند، این شهر پرناز را نازدارتر می‌کند و به بازدیدکنندگان از حافظیه و سعديه حسى شاعرانه می‌دهد و لاقال برای اندک‌زمانی خیالی شاعرانه از ذهنشان گذر کرده و جذب غزل عاشقشان می‌کند و لطیف، در این میان سازه‌های زیبای حافظیه و مقبره سعیدی و سروهای زیبای آن، حس یادشده را فرونی می‌بخشد. هم از این‌روست که بازدیدکنندگان هنگام خروج از محوطه این دو آرامگاه با حس رضایت و لیخندهای ناشی از شغفی خیال‌انگیز، گویی برآن‌اند که خود را شاعر و ظریف و نازک‌طبع نشان دهند. در کنار این شغف شاعرانه، ایرانیان با دیدن سعدی و احساس غرور و افتخار می‌کنند و به ایرانی‌بودن خویش می‌بالند. جالب آنکه همه ایرانیانی که از این دو آرامگاه دیدن می‌کنند، با هر زبان و لهجه و قومیت و دینی، چنین ادراکی دارند و این دو بزرگ را از آن خویش می‌دانند و مایه مباحثات و فخر. دو گویی که حافظ و سعدی چنان هویت ایرانی آنان را فریه می‌کنند که دچار قیوم‌داری شده و حتی بالاتر از آن نوعی پندار نارسیمتی ذهنشان را پر می‌کند. در کنار این طبیعت نازآلود و رازآلودگی ناشی از حضور بزرگان ادب و شاعرانگی شیراز، شاهچراغ فضای پرمز و راز و ناز شیراز را جلوه‌ای معنوی می‌بخشد. از این‌روست که مسافران شیراز با زیارت شاهچراغ، چراغ دلشان را به نور محمدی منور می‌کنند و با اشتیاق عطر و بوی آن، توچیدگرایی تاریخی خویش را رنگ و بویی دیگر می‌دهند و بعد دینی هویت خویش را در کثرت آینه‌های شاهچراغ فریه می‌کنند. در کنار موارد یادشده که به شیراز ویژگی‌هایی خاص می‌دهد که در کمتر شهر دیگری می‌توان همه آنها را یک‌جا سراغ گرفت، آثار تاریخی شیراز که از بیش از دویشتارو ۵۰۰ سال پیش تاکنون استمرار یافته و شیراز و بلاد پارس را همواره کانون توجه ایران‌زمین قرار داده است، علاوه بر آنکه به یگانه‌بودن شیراز بعدی دیگر می‌افزاید، دو گویی پاره باستانی هویت ایرانی را تجسیدی تاریخی بخشیده و به شکلی وصف‌ناپذیر عیان می‌کند. مقبره گورش در پاسارگاد و تخت جمشید دو نماد اصلی آثار باستانی در شیرازند که چنان حیرت‌زا و شگفت‌انگیزند که کمتر کسی را برای نادیده‌گرفتن آنها هنگام سفر به شیراز است. از این‌روست که این دو اثر همواره محل رجوع مسافرانی است که به این بلاد پر راز و ناز سفر می‌کنند. تخت جمشید چنان اثری ژرف بر هر بازدیدکننده‌ای گذاشته و چنان وی را غرق حیرت می‌کند که گویی جادویی پرهیت سراسر وجودشان را فرا گرفته و مسحورشان می‌کند. این شگفتی عظیم و حیرت‌زا اندکی بعد که هاله جادویی آن به کنار می‌رود و هوشیاری اولیه بازمی‌گردد، چنان ایرانیان را غرق شغف و فخری هویت‌گرایانه می‌کند که خود را بران تارک نبوده‌گرفتن آنها هنگام سفر به شیراز است. از این‌روست که تجربه ایرانیانی که از تخت جمشید، خصوصا برای اولین‌بار بازدید می‌کنند سرشار از تفاخر، مباحثات و بالیدن به ایرانیت خویش و البته نوعی نارسیمسیم است که مدت‌ها بعد نیز در گفتار و رفتار این تجربه را عبیت می‌بخشدند. به بیان دیگر ایرانیانی که از تخت جمشید دیدن می‌کنند، عظمت، شکوه، هیبت و جادویی تخت جمشید چنان پاره هویت باستانی آنان را فریه می‌کند که برای از آنها خود را از فضای قرن بیست‌ویکم بیرون برده و در دوره باستان تصویر می‌کنند. روزگاری را در ذهن تداعی می‌کنند که داریوش در مراسمی باشکوه در کاخ آپادانا سران کشورهای تحت فرمان خود را به حضور می‌پذیرفت و آنان ضمن پیشکش‌کردن هدایای خود از حمایت داریوش شاه برخوردار می‌شدند. صرف‌نظر از آثار باستانی یادشده و البته آثار دیگری همچون نقش رستم و نقش رجب، آثار و آینه‌های باقی‌مانده از دوره زندیه همچون بازار وکیل، ارگ کریم‌خان و… جلوه دیگری نیز به شیراز می‌بخشد. از این‌رو مسافرانی که از این مجموعه‌ها بازدید می‌کنند، حاکمی را در ذهن تصویر می‌کنند که برخلاف بسیاری از شاهان این سرزمین با اتباع تحت حاکمیت خویش رفتی شگفت‌انگیز داشت و از همین رو خود را نه شاه که وکیل‌الرعیای خوداند. به این ترتیب شیراز سبویه دیگری از فرهنگ ایرانی را به نمایش می‌گذارد. مدارا و تساهلی که با دباکار گورش و داریوش شاه است و در طول تاریخ همواره خود را استمرار بخشیده و در شخصیتی چون کریم‌خان خود را در قالب وکیل‌الرعیای نمود می‌دهد.

به این ترتیب تجربه سفر به شیراز، تجربه‌ای دیگرگون است. از آن رو که مسافر شیراز، ضمن آنکه از طبیعتی زیبا، دل‌انگیز و عشوگره حظی وصف‌ناپذیر می‌برد، با دیدن آثار باستانی شیراز پاره هویت باستانی خویش و با زیارت شاهچراغ پاره دینی هویت خویش را تقویت و با بازدید از آینه‌های دوره زندیه استمرار فرهنگ مدارای ایرانی را در خود زنده می‌کند، ضمن آنکه میهمان‌ناواری ایرانی را در گوشه‌گوشه شهر در رفتار شیرازیان خونگرم به‌عینه تجربه می‌کند. از این رو تجربه سفر به شیراز، تجربه‌های سفر به دیگر شهرهای ایران‌زمین است. شاید همین یگانه‌بودن شیراز نیز سبب شده است که کمال‌الغیّب در وصف آن بفرماید که:

شیراز و آب رکنی و این باد خویش نسیم

عییش مکن که خال رخ هفت کشور است

البته شاید اگر امروز خواجه شیراز کارکردهای هویت‌گرایانه شیراز را می‌دید، داد سخنی دیگر می‌داد و در وصف شیراز به زبان امروزی چنین می‌سرود که:

شیراز پر رمز / شیراز پر راز

قصه ایران بسراید به ناز